

بسم الله الرحمن الرحيم

منبر مکتوب با موضوع

اربعین حسینی (علیه السلام)

استاد فرحزاد

قال رسول الله صل الله عليه و آله و سلم: مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حُشِرَ مَعَهُمْ وَ مَنْ أَحَبَّ عَمَلًا قَوْمٍ أَشْرَكَ فِي عَمَلِهِمْ [۱]

این گنج پر بهاست من ارزان نمی دهم

مهر تو را به عالم امکان نمی دهم

این مهر را به ملک سلیمان نمی دهم

ای خاک کربلای تو، مهر نماز من

تا بر سرم ننهی، جان نمی دهم

جان می دهم به شوق لقای تو

در سینه ما محبتش افزون کن

یارب دلم ازغم حسین محزون کن

خون ساز و ز راه دیده ام بیرون کن

جز مهر حسین هر آنچه باشد به دلم

فضیلت ذکر صلوات

در روایات متعدد اشاره شده، که عبادات ما بدون ذکر صلوات قبول نمی شود. ذکر صلوات باید همراه حسنات و

عبادات باشد. باز از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت داریم: اگر در روز قیامت از امت کسی را

بیاروند که حسنات زیادی را به جا آورده است اگر حسناتش ضمیمه بر صلوات محمد و آل محمد نباشد خدا

حسناتش را قبولش نمی کند. چون صلوات دستور خداوند است. خداوند می فرماید: إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ



عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا [۲] خداوند می فرماید: هم من، هم ملائکه ام، صلوات می فرستیم. شما هم این کار را بکنید.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام

جابر از چهارده معصوم علیهم السلام، هفت معصوم علیهم السلام را، زیارت کرده است. و از خدمت آنها استفاده کرده است. جابر به همراه عطیه، که از شاگردانش و دوستانش بود در اربعین حسینی به کربلا آمد. در کنار فرات غسل زیارت کرد. عطیه دستش را گرفت. به زیارت که می آمدند، قدم هایش را کوتاه بر می داشت. عطیه گفت: چرا آرام و کوتاه قدم برمی داری؟ فرمود: که از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) خدا شنیدم، هر کسی به زیارت فرزندم امام حسین (علیه السلام) می رود، هر قدمش ثواب یک حج عمره است.

عظمت دستگاه امام حسین علیه السلام

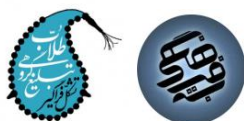
واقعا دستگاه امام حسین (علیه السلام) شگفتی هایی دارد؛ که از عقل ما و فهم ما فراتر است. همان طور که ایثار و گذشت امام حسین (علیه السلام) هم یک ایثار و گذشت ویژه ای بوده است. کی حاضر است، در راه خدا همه هستیش را، همه برادرهایش، بچه هاش و یارانش را، فدا کند، خودش را فدا کند، استخوان هایش خورد بشود.

از زن و فرزند و خانمان بگذشتی اما آدم نگذشت ز یک دانه گندم.

دربهشت خدا به حضرت آدم (علیه السلام) فرمود: که از این دانه گندم نخور؛ ولی خورد.

داستانی درباره معنای حقیقی ذبح عظیم در قرآن

علامه سید محمدحسین تهرانی، در کتاب روح مجرد نقل می کند که یک عالم جلیل القدر در تهران به نام مرحوم سید دری نجف آبادی بود. در تهران منبر میرفت. ایشان در تهران یک موقعی از منبر پایین می آید؛ یک جوانی از ایشان سئوالی می کند که حافظ یک شعری دارد؛ که می گوید:



مرید پیر مغانم، زمن مرنج ای شیخ چرا که وعده تو کردی، و او به جا آورد.

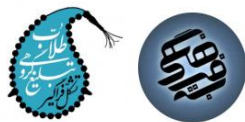
مرحوم نجف آبادی می فرماید که منظور از پیر مغان حضرت امیر است و منظور از شیخ حضرت آدم صلی الله است یعنی ای حضرت آدم درست است شما شخصیت بزرگی هستی ولی من یکی مرید حضرت امیر المومنین هستم چرا که وعده تو کردی و او به جا آورد به خاطر اینکه خدا تو بهشت دنیوی به حضرت آدم فرمود: از همه این نعمت ها استفاده بکن الا این گندم که شجره ممنوعه است. وَ قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ [۳] اما حضرت آدم و حوا طبق نص قرآنو کُلا مِنْهَا شِيطَانٌ آمَدَ وَ سَوَّسَهُ كَرَد. شیطان قسم خورد که من خیر خواه شما هستم و قاسمهما إني لکما لمن النَّاصِحِينَ [۴] حضرت آدم هم فکر نمی کرد که کسی قسم دروغ بخورد. یعنی خیلی صاف و زلال بوده است. قسم خورد که من خیر خواه شما هستم اگر از این گندم بخورید همیشه در بهشت می مانید. حضرت آدم و حوا از اون میوه ممنوعه خوردند و لباس هایشان ریخت. از بهشت هم بیرونشان کردند. به حضرت آدم گفتند: گندم نخور ولی خورد. خدای متعال به حضرت امیر(علیه السلام) نفرمود که گندم نخور ولی حضرت امیر(علیه السلام) در همه عمرش گندم نخورد. "چرا که وعده تو کردی و او به جا آورد" به قول مولانا:

هیچ نکشد نفس جز ذل پیر دامن آن نفس کش راست گیر

هرچه گویم عشق از آن برتر بود عشق امیر المومنین حیدر بود

مرحوم دری نجف آبادی فوت می کند، همین شخص که این سؤال را کرده که منظور از این شعر چیست مرحوم نجف آبادی را در عالم خواب می بیند. البته در عالم خواب از مرحوم نجف آبادی می پرسد، که آقا شما این دنیا جواب دادی که منظور از پیر مغان حضرت امیر(علیه السلام) و منظور از شیخ حضرت آدم است آیا اون دنیا که رفتی معنی بهتری هم پیدا کردی؟

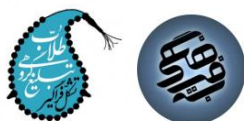
ایشان می فرمایند: من به این دنیا که آمدم یک معنی بالاتر و بهتری از شعر حافظ فهمیدم. به من فهماندند که مراد از پیر مغان آقا ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) است. و منظور از شیخ حضرت ابراهیم(علیه السلام) است.



خدای متعال دوست داشت در راه او یک قربانی و ذبحی انجام پذیرد. یک کسی برایش فدا بشود. خدای متعال به حضرت ابراهیم (علیه السلام) امر کرد، که اسماعیل (علیه السلام) را در راه من قربانی کن حضرت ابراهیم (علیه السلام) هم اسماعیل (علیه السلام) را در منی آورد، و واقعا هم نیتش این بود که قربانی کند.

سخت ترین امتحان حضرت ابراهیم علیه السلام

خیلی امتحان سنگینی است. حضرت ابراهیم (علیه السلام) مظهر لطافت و احساس خدایی بوده است. در اوج احساس پدری بوده است. کارد را گذاشت که سر حضرت اسماعیل (علیه السلام) را ببرد، خیلی هم فشار آورد، ولی کارد به امر خدا نبرید. همه چیز دست خداست به آتش امر می کند که گلستان بشو. به کارد می فرماید: نبر نمی برد. حضرت عصبانی شد؛ کارد را به سنگ زد سنگ نصف شد. ولی پوست و گوشت نازک حضرت اسماعیل (علیه السلام) را نمی برید. گفت: خدا به من امر می کند که نبر دوست خدا می گوید: که ببر من باید حرف خدا را گوش بدهم. بعد جبرئیل (علیه السلام) نازل شد. یک قوچی از قوچ های بهشتی آورد؛ که به جای اسماعیل (علیه السلام) قربانی کردند. وَ قَدَّيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ [۵] یعنی فدیة داریم به جای ذبح حضرت اسماعیل (علیه السلام) ذبح بزرگی را بعضی از مفسرین گفتند: که منظور از ذبح عظیم که جایگزین حضرت اسماعیل (علیه السلام) شده همان گوسفندی است که از بهشت آوردن. ولی این آیه را روایات ما معنی دیگری کرده است. آقا علی بن موسی الرضا (علیه السلام) فرمود: ذبح عظیم منظور جدم امام حسین علیه السلام است. خدای متعال از یک گوسفند بهشتی تعبیر به ذبح عظیم نمی کند. حضرت فرمود: که مشیت خدا بر این تعلق گرفت که حضرت اسماعیل (علیه السلام) قربانی نشود. اما در این امت بعد از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) ذبح بزرگی که در راه خدا انجام شد؛ منظور آقا ابا عبدالله حسین علیه السلام است. به جای اسماعیل ذبح الله (علیه السلام) حضرت امام حسین علیه السلام فدیة شد. آن وقت آقای دری (ره) فرموده بود: که وقتی در این عالم آمدم به من فهماندند که معنی شعر این است که: ای حضرت ابراهیم (علیه السلام) از من رنجش پیدا نکن؛ شما قرار بود که در راه خدا قربانی بدهی ولی به جای شما امام حسین (علیه السلام) خودش را، بچه هایش را، برادرهایش را، حضرت



ابالفضلش را، که مثل جان خودش است؛ همه این ها را در راه خدا فدا کرد. وَ بَذَلَ مُهْجَتَهُ فِیکَ لَیَسْتَنْقِذَ عِبَادَکَ مِنْ الْجَهَّالَةِ وَ حَیْرَةِ الضَّلَالَةِ [۶] امام حسین (علیه السلام) یک موی حضرت زینب را با عالمی نمی دهد.

معنای بذل و بذل امام حسین علیه السلام

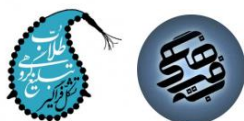
می دانی حضرت زینب (سلام الله علیها) را چقدر دوست دارد؟ امام حسین (علیه السلام) برای چی حاضر می شود که حضرت زینب این همه اسارت و ذلت بکشد. به خاطر خدا، حاضر شد؛ تمام این ایثارها را بکند. ما در زیارت اربعین می گوئیم: که امام حسین (علیه السلام) بذل کرد. بذل به چیزی می گویند، که طرف بدون چشم داشت و طمع ببخشد. یعنی اصلاً هیچ به برگشتش فکر ندارد. ابا عبدالله خون دلش را در راه خدا برای اینکه بنده ها را از جهالت و گمراهی نجات بدهد، بذل کرد. من مادری را سرخ دارم که به پسرش خیلی علاقه دارد ولی وقتی زلزله آمد، اصلاً فراموش کرد که پسری دارد. توی حیاط آمد بعد از این که زلزله تمام شد، یادش آمد که پسری دارد؛ که خیلی دوستش دارد. در موقع گرفتاری ها معلوم می شود، چه کسی به فکر چه کسی است. ولی آقا ابا عبدالله (علیه السلام) برای این که بندگان خدا را نجات بدهد، از همه هستیش گذشت.

نظر اهل بیت به اشعار و شخصیت حافظ

یکی از اساتید ما می فرمود: من برای همه شعرهای حافظ می توانم آیه یا روایت بیاورم. بنده خودم روزهای آخر محضر آیت الله اراکی (ره) شرفیاب شدم. ایشان غزلیات حافظ را میخواند و گریه می کرد.

الایا ایها الساقی ادرکأسا و ناولها که عشق آسان نموداول ولی افتاد مشکل ها

آیت الله اراکی در سن شصت سالگی یک عمری مرجع و شیخ الفقها باز هم انشش با شعرهای حافظ بوده است. یک طلبه ای می گفت: که خواب دیدم که امام زمان آمد حجره من، همه کتاب ها را بیرون گذاشت؛ ولی قرآن و حافظ را فرمودند: این باشد. مرحوم میزا مرشد چلویی از دوستان شیخ رجب علی خیاط بوده، آدم بسیار فوق العاده ای بود. یک موقعی ایشان توسل می کند به امام حسین علیه السلام می گوید: آقا من از شما می خواهم که



طبع شعر حافظ را به من بدهید. آقا امام حسین (علیه السلام) را در عالم رویا زیارت می کند. حضرت می فرماید: که این عنایت ویژه است؛ به کسی نمی دهیم. یعنی این ویژه این شخصیت است.

لیل طلب آب امام از دشمن

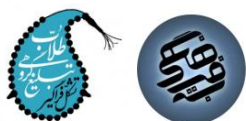
مرحوم آیت الله شاه آبادی استاد امام (ره) بوده. ایشان می فرمودند: بعضی ها می گویند: امام حسین (علیه السلام) از شمر تقاضای آب کرده، این مسئله درست است. شهید مطهری (ره) می فرماید: که حضرت (علیه السلام) از دشمن تقاضای آب نکرد. ولی همه مقاتل ما نوشته اند که تقاضا کرده اند. حضرت شاه آبادی می فرمودند: که قطعاً حضرت تقاضای آب کرده است. ولی از روی ذلت تقاضا نکرده است. اصلاً روایت داریم: که به دوست هم روینداز، تقاضایی نکن. آن وقت امام حسین (علیه السلام) نمی توانست یک ساعت تحمل کند؟ به دشمنش، آن هم دشمنی مثل شمر رویندازد؟ جواب فرموده بودند: تقاضای آب برای این بوده دست طرف را بگیرد. امامی که محتاج کمک خلق باشد، به درد نمی خورد. ما معتقدیم امام عین الحیاء [۷] است، سر چشمه حیات هستند، همه چیز سر سفر امام است، همه چیز میدهد. یعنی نفس همه به امام بند هست.

معنای هل من ناصر امام حسین علیه السلام

امام وقتی می فرماید: که هل من ناصر ینصرنی [۸] ظاهرش این است "چه کسی است، که من را یاری کند؟" اما معنی حقیقیش این است چه کسی است، که من یاریش کنم. به جهنم نرود، به بهشت برود. امام (علیه السلام) می فرماید: به من آب بدهید. چون هر کسی آب بدهد، رحم کند، رحمت او را می گیرد.

محبت فوق العاده امام حسین علیه السلام

ما روایت داریم: تا کسی رحم کند، رحمت خدا او را می گیرد. مرحوم آقای شاه آبادی فرموده بودند: امام (علیه السلام) اگر به شمر فرموده بود، که به من آب بده پیش جدم از تو شفاعت کنم، درست است. چون امام (علیه السلام) می خواهد سفره رحمتش را پهن کند؛ شمر هم در سر اون سفره باشد. شمر اگر آب می داد دیگر موفق به کشتن حضرت (علیه السلام) نمی شد. رحم میکرد و برمی گشت. تا بر می گشت رحمت خدا او را می



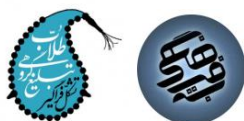
گرفت. حضرت علی اصغر(علیه السلام) را می آورد، که رحم کنند. تا مورد رحمت واقع بشوند. حضرت(علیه السلام) به شمر گفت: که به من آب بده تا از تو در پیش جدم رسول الله(صلی الله علیه وآله وسلم) شفاعت کنم. آن ملعون هم گفت: من یک درهم یزید را با شفاعت جدت تو عوض نمی کنم. امام حسین(علیه السلام) می خواهد، حتی خبیث ترین آدم ها را هم نجات بدهد. محبت امام حسین(علیه السلام) خیلی فوق العاده است. بین چطور خلق دل باخته امام حسین(علیه السلام) شده اند. امام حسین(علیه السلام) این طور دل باختگی را نشان داد که خلق این طور دلباخته شده اند.

نوکری در دستگاه امام حسین علیه السلام

یک عالمی در منزلش مجلس روضه می گرفت. معمولاً بچه هایش رفقاییش شاگردانش می آمدند در منزلش پذیرایی می کردند یک روز رفقا و شاگرداش نیامدند بچه هایش هم نبودند آقا عبایش را گذاشت کنار خودش از مردم پذیرایی کرد. شب حضرت زهرا(سلام علیها) را خواب دید. حضرت(سلام الله علیها) فرمود: فلانی امروز تو نوکر ما شدی. یعنی تو دستگاه اهل بیت علیهم السلام و امام حسین(علیه السلام) باید خودت را بشکنی، جارو کشی کنی، کفش جفت کنی. مرحوم آیت الله کمپانی، استاد آیت الله بهجت و خیلی از بزرگان، خودش کفش جفت می کرد، چایی می ریخت. می گفتند: آقا شما آیت الله، فیلسوف و چی و چی هستی. می گفت: این مجلس امام حسین(علیه السلام) است. شاید خیلی از کارهای ما نگرفت، ولی این کار گرفت. نوکری در این خانه برای ما ثبت بشود.

دیدار امام حسین علیه السلام از خادمش هنگام مرگ

یکی از رفقا می گفت: که در مشهد یک تارجری بود؛ که خیلی به امام حسین(علیه السلام) علاقه داشت. می رفت مجلس امام حسین(علیه السلام) چایی می ریخت. چندین سال چایی ریز امام حسین(علیه السلام) بود. اواخر عمر مریض شد، توی خانه افتاد. دیگر از خانه نمی توانست بیرون بیاید. هر شب هم یکی از بچه هایش می رفت پرستایش می کرد. یک شب یکی از پسرهایش می گفت: که من دیدم آقام حالش خیلی منقلب و

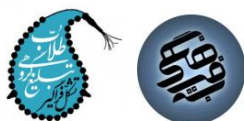


مضطرب است. گفتم: بابا جان حالتان خوب نیست، می خواهید بروم دکتر بیاورم. گفتم: نه کار ما از دکتر گذشته دیگر. گفتم: حالش را داری، ماشین را آماده کنم، ببرمت به زیارت امام هشتم علی بن موسی الرضا(علیه السلام). گفتم: من زیارت خیلی رفتم، حالا نوبت آن هاست، که به دیدن من بیایند. گفتم: من دیدم حال پدرم خیلی منقلب است. ولی یک وقت با زحمت بلند شد، مودب نشست. گفتم: بابا جان شما که حال نشستن نداری، دراز بکش، استراحت کنید. فرمود: فرزندم مگر چشمانت نمی بیند، آقا امام حسین(علیه السلام) به دیدن من آمده، من به احترام اربابم نشستم. گفتم: سلام دادالسلامُ عَلَیکَ یا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ [۹] بعد هم دراز کشید و از دنیا رفت. معلوم شد، آقا امام حسین(علیه السلام) در لحظه آخر به دیدنش آمده است.

ذکر مصیبت اربعین امام حسین علیه السلام (بازگشت اسرا به کربلا)

اول زائری که در روز اربعین به زیارت امام حسین(علیه السلام) رفت، جابر بوده است. عطیه می گوید: دست جابر را گرفتم و روی خاک قبر ابا عبدالله(علیه السلام) گذاشتم. آن قدر جابر گریه کرد و ناله کرد، که از هوش رفت. بعد آب به صورتش زدم، به هوشش آوردم. سه مرتبه صدا زد یا حسین(علیه السلام) یا حسین(علیه السلام) یا حسین(علیه السلام) صد زد آقا جان من پیرغلام شما جابرم. از راه دور به زیارت شما آمده ام. هر وقت عرض ارادت می کردم جواب من را می دادی، ولی الان حبیب لایحیب حبیبه چرا دوست جواب دوستش را نمی دهد؟ خودش به خودش جواب داد. صدا زد: جابر چه انتظار داری از اون حسینی که بدن مقدسش قطعه قطعه در کربلا، سر مبارکش با بالای نیزه بین بدن و سرش فرسخ ها فاصله افتاده جواب تو را بدهد. داشت با آقا(علیه السلام) نجوا می کرد؛ که صدای زنگ قافله به گوش رسید.

گمانم کربلا شد عمه نزدیک	که بوی مشک و ناب عنبر آید
مهار ناقه را یک دم رها کن	به استقبال لیلا اکبر آید
به گوشم عمه از گهواره گور	دراین سحرا صدای اصغر آید
چهل روز است گشته ذکرزینب	حسینم وای حسینم وای حسینا



اربعین تجدید خاطره عاشوراست. اهل بیت وارد سرزمین کربلا شدند. از مرکب ها پیاده شدند یکی سراغ قبر
عمو می رود. یکی سراغ قبر برادر می رود. یکی قبر طفل شش ماه را سراغ می گیرد: امام سجاد(علیه السلام)
شاید به جابر فرمود: جابر روز عاشورا نبودی همین جا بود؛ جوان های ما را کشتند. همین جا بود، طفل شیر
خواره ما را شهید کردند. همین جا بود، پدر ما ابا عبدالله(علیه السلام) را شهید کردند. همین جا بود، خیمه های
ما را به آتش کشیدند. عزیزان ما را اسیر کردند. اما بی بی زینب، داغش از همه بیشتر است. آمد خودش را روی
قبر ابا عبدالله انداخت. آن قدر ناله کرد. و احسینا و احبیب قلب رسول الله یک وقت دیدن بی بی دست برد قریبان
چاک کرد .

[۱]. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار/مجلسی/ج ۶۵/۱۳۱/باب ۱۸ الصفح عن الشيعة و شفاعه
أئمتهم صلوات الله عليهم فيهم ص : ۹۸

[۲]. الأحزاب : ۵۶

[۳]. البقرة : ۳۵

[۴]. الأعراف : ۲۱

[۵]. الصافات : ۱۰۷

[۶]. مفاتیح الجنان/شیخ عباس قمی/۱/۶۸/هشتم زیارت اربعین است ص : ۴۶۷

[۷]. مفاتیح الجنان/شیخ عباس قمی/۱/۵۹/روز جمعه روز حضرت صاحب الزمان علیه السلام....ص:۵۹

[۸]. فرهنگ عاشورا/جمعی از نویسندگان/۶/۱۳۱. الگوها و چهره های عاشورایی ص : ۱۳۰

[۹]. مفاتیح الجنان/شیخ عباس قمی/۱/۴۵۸/اول زیارت عاشوراء معروفه است ص : ۴۵۸

